

می‌کنند. در مرحله بعد، نهادهای خدمت‌رسان قرار می‌گیرند که سطح معایبر و خیابان‌ها را رصد می‌کنند. تهران در این بخش دچار چالش جدی است. چراکه اکثر حادثه‌ای رخ دهد، معایبر به سرعت درگیر می‌شوند. در این زمینه برای تردد خودروهای ایمنی مثل آتش‌نشانی و اورژانس تدبیری صورت نگرفته است. البته ما فرهنگسازی هم لازم داریم، چون وقتی یک درخت واژگون می‌شود ممکن است معبری را ببندد و دستگاه خدمت‌رسان نتوانند به وظیفه‌اش عمل کند.»

تهران در مسیر تاب‌آوری

عباسی با وجود این به این سؤال که آیا تهران، تاب‌آور است یا نه! جواب سرراستی نمی‌دهد. او می‌گوید: «نمی‌توانیم بگوییم تهران تاب‌آور است یا نه، چراکه در مسیر تاب‌آوری گام برمی‌دارد. زیرساخت داریم، اما ارتقای تاب‌آوری مهم است. شما طوفان سال ۹۳ تهران را به خاطر بباورید، چندین درخت در خیابان ولیعصر سقوط کرد، اما به علت درگیر شدن معایبر و اینکه ترافیک ایجاد شده بود، ۲۰ دقیقه زمان برد تا دستگاه‌های خدمت‌رسان به نقطه حادثه برسند. چون شهر در بن بست ترافیک گیر کرد و نیروهای امدادی، اورژانس و آتش‌نشانی نتوانستند بموقع به محل حادثه برسند. از طرفی فرد یا افرادی که آسیب دیده موفق به دریافت خدمات در زمان مناسب نشدند، اما این به معنای نبود زیرساخت در پایتخت نیست. این یعنی ما به نقشه خطر نیاز داریم

و در کنار آن هم آموزش و فرهنگسازی لازم است. خب در سطح میانی وجود دارد، اما ما به بیشتر از این سطح نیاز داریم. متأسفانه ما در بعد اجرا هم ضعیف هستیم، باید تجهیزات ایمنی را ارتقا دهیم و فرهنگ عمومی را هم بالا ببریم. مثلاً هم‌اکنون در ۳۰۰ پارک تهران، مخازن آب شرب تأمین شده تا اگر زلزله آمد و به هر دلیلی آب محلات قطع شد با فیلترهایی که روی این مخازن وجود دارد، آلوده نشده و مردم در محلات در چند روز اول آب در اختیار داشته باشند. اما آیا مردم محله این را می‌دانند؟ آیا نحوه استفاده از آموزش داده‌ایم؟ اصلاً چطور می‌خواهیم دسترسی مردم را مدیریت و کنترل کنیم تا دعوا و درگیری رخ ندهد و هرکس متناسب با نیازش سهم بردارد؟ نحوه استفاده از آب مهم‌تر از زیرساخت آن یعنی تاکنراست یا مثلاً قبل از طوفان چند روز پیش، سازمان هواشناسی هشدار سطح قرمز صادر کرد، اما رفتار مردم چگونه بود؟ چقدر ترافیک و تردد در خیابان‌ها در زمان طوفان کاهش یافت؟ بنابراین لازم است سطح فرهنگ عمومی ارتقا یابد. واقعاً چند نفر از مردم این هشدارها را جدی گرفتند و به آن اهمیت دادند؟ اصلاً مردم در آن زمان در اطراف رودخانه‌ها چه می‌کردند؟»

عباسی البته به نکته دیگری هم اشاره می‌کند. ایمنی نصب سازه‌های محیطی و پایش و نظارت بر آنها به طویرمادوم!

او با طرح این سؤال که آیا بیلوردها و تجهیزات شهری به صورت مداوم پایش می‌شود یا نه؟ و آیا بعد از وقوع طوفان این محاسبات دوباره ارزیابی شد، می‌گوید: «ممکن است تاب‌آوری این سازه‌ها، بعد از طوفان دچار آسیب شده و نیاز به نوسازی باشد؛ یا دربارۀ داربست‌های شهری که در شرایط طوفانی حادثه‌ساز بودند، چون استاندارد نیست و سازه را از حالت پایدار خارج می‌کند، باید توسط مأموران شهرداری پایش دوباره شود. البته بعضی شیوه‌نامه‌ها دستورالعمل‌هایی وجود دارد و زیرساخت‌هایی نیز برای شرایطی مثل طوفان در روز قبل تهران آماده بود، اما مهم نحوه استفاده، فرهنگسازی و آموزش است.»

همین‌ها از ریشه بیرون می‌آیند و برای شهروندان خطراً می‌شوند. یا داربست‌های ساختمان‌های درحال ساخت و نیمه‌کاره که درست نصب نشده‌اند.»

به گفته امانی، هم اکنون در سطح شهر هزاران مورد علائم ناایمنی در مراکز عمومی مثل خیابان‌ها، پارک‌ها و معابر دیده می‌شود که البته شناسایی شده و درحال رفع شدن هستند، اما تا رفع کامل زمان زیادی می‌برد. گودال‌های رها شده، چاله‌های پر نشده و خودروهایی که در سطح شهر رها شده، اما چون پلاک دارند، شهرداری هم نمی‌تواند آنها را به پارکینگ منتقل کند، از دیگر علائم خطرزا در شهر محسوب می‌شوند که مسئولیت رسیدگی به آنها فقط برعهده شهرداری نیست. همه اینها نشانه‌های ناایمنی شهر محسوب می‌شوند که حتی ممکن است در شرایط طبیعی بدون باد و طوفان، سانحه ایجاد کنند. نمونه آن هم نماهای سنگی ساختمان‌های نوساز است که چون با چسب نصب شده‌اند، بسیار ناپایدار بوده و ممکن است در گرمای تابستان ذوب شده و در کوچه‌ها روی سر مردم و خودروها سقوط کنند!

اولویت با نوسازی و بهسازی بافت ناکارآمد است

مهدی عباسی، عضو شورای شهر تهران با بیان اینکه اصلی‌ترین خطری که تهران را تهدید می‌کند، در وهله اول خطر زلزله است، به «ایران» می‌گوید: «بافت ناکارآمد (فرسوده) شهر تهران که حدود ۸ درصد از مساحت کل شهر را تشکیل می‌دهد، از نیمه دهه ۳۰ و ۵۰ به وجود آمده و از فرایند نوسازی هم عقب مانده است. سایر محلات تهران تقریباً با اصول مهندسی ساخته شده، بویژه از دهه ۷۰ با اجرای قانون نظام مهندسی و دهه ۹۰ با اجرای قوانین مرتبط با حوزه ایمنی در برابر حریق که ساختمان‌ها به شکلی ساخته شدند که اگر دستگاه نظارتی (مهندسین ناظر) کار خود را به درستی انجام داده باشند، ساختمان‌های ۹۰ دهه نسبت به سایر ساختمان‌ها، مقاومت بیشتری دارند. بنابراین اولویت امروز تهران سرعت‌بخشی به نوسازی بافت ناکارآمد می‌فرسوده است که اگر قابلیت نوسازی ندارند، باید به سمت بهسازی بروند.»

او معتقد است که باید با اعمال سیاست‌ها و ضوابط سختگیرانه برای ساختمان‌های درحال ساخت، سازندگان و مالکان را موظف به اجرای مقررات کرد تا ساختمان‌های ایمنی در برابر سایر بلاهای طبیعی مثل زلزله، طوفان و سیل ساخته شوند.

عباسی می‌گوید: «برای مثال اجرای نمای ساختمان‌ها که در کمیته نما بررسی می‌شود، باید با مصالحی باشد که در برابر حوادثی مثل زلزله و طوفان مقاومت خود را از دست ندهند. براساس تکلیف قانونی که بر عهده شهرداری‌ها گذاشته شده است، شهرداری موظف است، با هر چه در سطح شهر خطرآفرین است، (ممکن است مربوط به بالکن ساختمان یا حتی جدارهای ساختمانی باشد) و جان شهروندان را به خطر می‌اندازد، محافظت کند. در برخی نقاط تهران این اتفاق رخ داده، اما در برخی مناطق و محلات دیگر همچنان به پایش و نظارت نیاز است. البته گاهی این نظارت و پایش دقیق هم نیست.»

او به نقش جدی مردم در جلوگیری از این مخاطرات اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این زمینه نباید از مسئولیت شهروندی غافل شد. شهروندان می‌توانند مخاطرات شهری را گزارش دهند، حتی ممکن است در حد شکستن یک درخت باشد. مهم‌ترین بخش ایمنی در شهر، مربوط به سرپناه است که مردم روزانه با آن سروکار دارند. یعنی ایمنی ساختمان‌هایی که در آنها زندگی



برخی چون

فکر می‌کنند

زیر پای

خودشان

محکم است

و خطری

متوجه‌شان

نیست،

توصیه‌ها

و تذکرات

را جدی

نمی‌گیرند،

اما حادثه‌خبر

نمی‌کند و

ممکن است

همه‌ما را به

نوعی درگیر

کند. این نیاز

به آموزش و

فرهنگسازی

دارد. شما در

همین چند

هفته نگاه

کنید، به‌رغم

هشدار سطح

قرمز، اما مردم

زندگی عادی

خودشان را

داشتند و هیچ

تفاوتی قبل و

بعد از هشدارها

در سطح

خیابان‌ها و

معابر تهران

مشاهده‌نشد

و روال عادی

زندگی در

جریان بود.

درحالی که

فرهنگسازی

درباره این

مسأله نیاز به

طرح و برنامه

دارد. حتی

پلیس راهور

هم از تهران‌ها

خواست تا با

توجه به وزن

شدید باد و

احتمال سقوط

اجسام از تردد

غیرضروی در

شهر خودداری

کنند



عکس: باشگاه خبرنگاران جوان

«ایران» از آسیب‌پذیری شهرها در برابر حوادث طبیعی و غیرطبیعی با توجه به طوفان‌های خرداد ماه گزارش می‌دهد

تهران در بی‌تابی

گزارش

حمیده‌امینی فرد

خبرنگار

به این آمارها دقت کنید. طوفان و سیلاب در خردادماه ۷ جان باخته و ۵۹ مصدوم روی دست ایران گذاشت. آمارها البته به تفکیک هم آمده است. در تهران ۲۷ نفر مصدوم و در اصفهان، مازندران، البرز و اهر به ترتیب ۵، ۱۵،

۲ و ۱۰ نفر مصدوم شدند و در این میان ۷ نفر جان خود را از دست دادند. این آمارها البته قرار نیست از وخامت اوضاع آب و هوا یا بحران تغییرات آب و هوایی در ایران رمزگشایی کند، بلکه می‌خواهد با اعلام آمار مرگ و میرها و تلفاتی که فقط در همین چند هفته پیش بر اثر یک طوفان در کل کشور پشت سر گذاشتیم، به موضوع مهم تاب‌آوری کلانشهرهایی برسیم که این روزها کیفیت زندگی در آنها متناسب با هزینه‌هایی که روی دست شهروندانشان می‌گذارند، نیست! مردم مدام از خود می‌پرسند

به‌عنوان شهروندی که سال‌هاست، مثلاً در شهری شبیه تهران ساکن هستم، تا چه اندازه در برابر حوادث طبیعی بیمه‌اند؟ آیا معایب و خیابان‌ها، طراحی شهری، شهرسازی و معماری مثل کیفیت ساخت و سازها، فرهنگ شهری و حتی فضای سبز، یک شهر ایمن و تاب‌آور در برابر حوادث را برایشان به ابرث گذاشته است؟ اگر می‌خواهید بدانید آیا در شهری ایمن کفایت است؟

پیش می‌کنید یا نه، فقط کافیت با یک جست و جوی ساده، به عکس‌های خبری و غیر خبری در ماه خرداد که سیل و طوفان در آن زیاد به وقوع پیوست، مراجعه کنید. تصاویر درختان شکسته در کف خیابان‌ها، خودروهای زیر آوار، شاخ و برگ درختان مانده، بنای ساختمان‌های ریخته روی خودروها و پیاده‌روها و معایب که با شاخ و برگ شکسته درختان بسته شده، چهره متفاوتی از ابر شهر ۹ میلیون تهران را پیش روی شهروندانش کشوده است! آیا همین همان تهرانی است که قرار است روزی حریف زلزله ۷ ریشتری پیش‌بینی شود؟ آیا شهری که با یک طوفان پیش‌بینی شده، معایب و خیابان‌های بهم می‌ریزد، می‌تواند زمانی با چالش‌ها و ابر بحران‌های پیش‌بینی نشده، رو در رو شود؟ آیا شهروندانی که با وجود هشدارهای مکرر نهادهای رسمی، سر از خیابان‌های هشدار قرمزی

در می‌آورند که یک روز قبل، آژیر خطر هواشناسی برایشان بلند شده، می‌توانند الگوهای موفقیت‌تلقی شوند که فرهنگ مواجهه با خطر برایشان

درست تعریف شده است؟ آن چیزی که خاطره باد و باران‌های رگباری را زدن در خیابان‌های تهران احساس آرامش کرده‌اید یا نه! از شنیدن صدای غرش آسمان و رعد و برق آسمان ترجیح داده‌اید، در گوشه و کناری یا زیر سقف و دیوار خانه‌ای پناه بگیرید؟ شاید هم وقتی سرتان بالا گرفته‌اید و نمای ساختمان قدیمی یا ساختمان نیمه‌سازی را دیده‌اید که هر لحظه ممکن است تکه آجری یا داربستی روی سرتان آوار شود، ترجیح داده‌اید به آغوش ناامن خیابان‌ها پناه ببرید؟ این تصویر البته برای برخی‌ها هم چندان غیرطبیعی و وحشت‌آور نیست. عده‌ای در آن سوی ماجرا معتقدند که تاب‌آوری شهرها در سطح مناسبی است و اینکه با طوفانی

یا باد و بارانی، چند درخت می‌افتد، معایبر، رودخانه می‌شود هم چندان عجیب و غریب نیست! اما عده‌ای اصرار دارند که بگویند ایمنی شهرها در حد مطلوبی است و اگر نگرانی هم وجود دارد، باید بر زلزله‌ای متمرکز

شود که معلوم نیست چه زمانی سر از تهران در می‌آورد... اما این عده موضوع مهمی به نام «کیفیت زندگی» در شهرها را نادیده گرفته و فراموش کرده‌اند که یکی از شاخص‌های مورد توجه در ارتقای سطح کیفیت در شهرها، احساس امنیتی است که از تردد در شهرها، نصب شهروندان می‌شود. این را فقط نمی‌توان محدود به درختان و داربست‌ها و نمای ساختمان‌ها کرد. تبلیغات محیطی و نصب بیلوردها و تابلوهای شهری هم در صورتی که ایمن نصب نشده باشند، می‌توانند در برابر باد و طوفان خطرزا

باشند. شاخص‌های ساده‌ای که اگر به درستی اجرا نشوند، احساس یک تردد امن را از شهروندان سلب می‌کنند. در آن سوی ماجرا البته نباید از شهروندان وظیفه‌شناسی که هشدارها را جدی تلقی نمی‌کنند، هم گذشت. ضلع دوم این بی‌احتیاطی، متوجه همه آت‌هایی است که باوجود هشدارهای سطح قرمز و نارنجی، به نقاط خطرناک سفر می‌کنند و با خیال راحت بساط مرگی می‌چینند که جز خودشان، کسی میهمان این سفره نیست!

ایمن‌سازی پول می‌خواهد

ایمن‌سازی در شهر «پول» و یا به عبارتی «بودجه» می‌خواهد. بنابراین



بروند و آن پارک خودرو در پارکینگ خانه‌هایشان بوده است.

تهران شهری ناپایدار و ناایمن

«یکی از ویژگی‌های برجسته تهران، ناپایداری و ناایمنی شهر در برابر حوادث طبیعی و غیرطبیعی است.» این را ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران به «ایران» می‌گوید. امانی معتقد است که آتش‌سوزی‌های اخیر در حدود یک ماه گذشته در تهران نشان می‌دهد که شهر در برابر هر نوع حادثه‌ای آسیب‌پذیر است. او می‌گوید: «در همین طوفان‌های اخیر در تهران سوزی‌های اخیر در سطح شهر و داربست ساختمان‌ها که افتاده بودند. تعدادشان هم در برابر می‌دهد که شهر تهران در برابر حوادث، ناپایدار و ناایمن است که البته عوامل متعددی در ایجاد آن دخالت دارد.»

بی تفاوتی مردم نسبت به خطر و جدی نگرفتن هشدارهای هواشناسی از جمله دلایلی است که امانی به آن اشاره کرده و می‌گوید: «برخی چون فکر می‌کنند زیر پای خودشان محکم است و خطری متوجه‌شان

